

## بيانات معظم له در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار - 17 مهر / 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه حضار عزیزی که این جلسه پُرشور و صمیمی در اینجا به برکت حضور آنها تشکیل شده است؛ چه برادران و خواهران عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چه پاسداران کمیته های قبلی انقلاب اسلامی - که امروز در نیروی انتظامی مشغول خدمت هستند - و چه جانبازان عزیز که فداکاران دیروز و امروز انقلاب و دوران دفاع مقدس

محسوب می شوند، خوشامد عرض می کنم. امیدواریم خداوند متعال نظر لطف و قبول خود را به همه این مجاهدت‌ها و تلاش‌های مخلصانه بیفکند و نور رستگاری و سعادت را که به فضل مجاهدت‌های شما در این کشور پدید آمد و به سراسر دنیا اسلام تابید و در دلها و جانها منعکس شد، روزبه روز درخشش‌ده تر و نمایانتر فرماید.

همچنین حلول ماه شعبان و اعیاد شریف این ماه پُربرکت را تبریک عرض می کنم. ماه شعبان یکی از فرصت‌های مغتنمی است که در اختیار ماست. این سه ماه - ماه رجب و شعبان و رمضان - ایام بسیار مغتنمی است و باید از برکات الهی در این سه ماه استفاده کنیم و به قول نظامیها، بار مبنای معنویت خود را تکمیل نماییم.

اگر ذخیره معنوی در وجود انسان از حد لازم پایینتر رود، انسان دچار لغزشها و گمراهیهای بزرگی خواهد شد. معنویت در وجود یک انسان، برای او مایه هدفدار شدن است؛ زندگی او را معنا می کند و به آن جهت می دهد.

همچنان که آرمانهای معنوی و اخلاقی، زندگی یک جامعه و یک کشور و یک ملت را جهتدار می کند؛ به تلاش و مبارزه آنها معنا می دهد و برای انسان هویت می سازد. وقتی یک ملت و یک کشور از آرمانهای اخلاقی و معنوی تهی شد، هویت حقیقی خود را از دست می دهد و مثل پر کاهی می شود؛ گاهی به این طرف، گاهی به آن طرف می رود، گاهی دست این، گاهی هم دست آن می افتد. این ماه شریف و دو ماه قبل و بعد از آن، فرصت‌هایی است برای این که ما در وجود خود، ذخیره های معنوی را تکمیل کنیم.

ما سایش و فرسایش پیدا می کنیم. دل و جان ما در برخورد با حوادث روزمره زندگی، به طور دائم در حال فرسایش است. باید حساب این فرسایشها را کرد و جبران آن را با وسایل درست، پیش بینی نمود، و لا انسان از بین خواهد رفت. ممکن است انسان از لحاظ مادی و صوری، تنومند و فربه هم بشود؛ اما اگر به فکر جبران این سایشها نباشد، از لحاظ معنوی نابود خواهد شد. قرآن می فرماید: «انَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزَلٌ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ».

«ربنا الله» یعنی اعتراف به عبودیت در مقابل خدا و تسلیم در مقابل او. این چیز خیلی بزرگی است؛ اما کافی نیست. وقتی می گوییم «ربنا الله»، برای همین لحظه ای که می گوییم، خیلی خوب است؛ اما اگر «ربنا الله» را فراموش کردیم، «ربنا الله» امروز ما دیگر برای فردای ما کاری صورت نخواهد داد. لذا می فرماید: «ثُمَّ اسْتَقَامُوا»؛ پایداری و استقامت کنند و در این راه باقی بمانند. این است که موجب می شود «تنزيل عليهم الملائكة»، والا با یک لحظه و یک برهه خوب بودن، فرشتگان خدا بر انسان نازل نمی شوند، نور هدایت و دست کمک الهی به سوی انسان دراز نمی شود و انسان به مرتبه عباد صالحین نمی رسد. باید این را ادامه داد و در این راه باقی ماند؛ «ثُمَّ اسْتَقَامُوا». اگر بخواهید این استقامت به وجود آید، باید به طور دائم مراقبت کنید که این بار مبنای معنویت از سطح لازم پایین نیفتد.

این ماهها، فرصت بازبینی است. اولیای خدا و ائمه هدی علیهم السلام - آن طور که در روایت آمده است - بر مناجات شعبانیه مواظبت می کردند. من یک بار از امام بزرگوار پرسیدم: در بین دعاها به کدامیک بیشتر علاقه دارید؟ ایشان اسم دو دعا را بردند: یکی مناجات شعبانیه، دیگری هم دعای کمیل. این دو دعا مضامین فوق العاده ای دارند. این دعاها فقط برای خواندن نیست؛ یعنی فقط برای این نیست که انسان موجی در فضا ایجاد کند و این کلمات را بر زبان جاری نماید - این خیلی سطحی و خیلی کم است - این مفاهیم را باید با دل آشنا کرد؛ باید دل را وارد این حريم نمود. این معانی بلند و مضامین برجسته با این الفاظ زیبا، برای این است که در دل انسان جایگزین شود.

«اللهي هب لي كمال الانقطاع اليك و انر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك»؛ پروردگارا! به طور كامل مرا به خودت متصل و پيوسته کن؛ مرا وابسته حريم عز و شأن خود قرار بده؛ چشم دل مرا نوراني و بینا کن؛ آن چنان که بتواند به تو نظر کند: «حتى تخرق ابصار القلوب حجب التور»؛ نگاه من بتواند همه ي حجابها - حتى حجابهاي نوراني - را بشکافد و از آنها عبور کند و به تو برسد؛ تو را ببیند و تو را بخواهد. بعضی حجابها ظلماني است. حجابهاي که ما گرفتار و اسیرش هستيم و در آنها دست و پا مي زنيم - حجاب نام، حجاب نان، حجاب حсадتها، حجاب منيّتها - حجابهاي ظلماني و حيواني است؛ اما کسانی که خود را از اين حجابها خالص مي کنند، باز حجابهاي ديگري هم سر راهشان وجود دارد که حجابهاي نوراني است. ببینيد گذر از اين حجابها چقدر برای انسان، بالا و والاست!

یک ملت اگر با اين مفاهيم آشنا شد و دل خود را در اين فضا وارد کرد و حرکت خود را با اين ميزان تنظيم نمود، پيش خواهد رفت و کوهها را در مقابل خود ناچيز خواهد دید. ملت ما در يک لحظه تاريخي، چنین حالتی پيدا کرد و اين انقلاب به وجود آمد. شما خيال نکنيد اين انقلاب حتى قابل پيش بیني بود؛ خير، قابل پيش بیني هم نبود؛ اين قدر عظيم بود. اين که ملتی با دست خالي بتواند يک نظام پوسیده فاسد، اما مورد حمایت صدرصد همه قدرتهای ظالم دنيا را که با سخت ترين روشهاي استبدادي حکومت مي کرد و کسي جرأت نفس کشیدن نداشت، از بين برد و عقیده و آرمان خود - يعني اسلام - را جاي آن بگذارد، اصلاً متصور نبود. حتى به ذهن آدمهای خوشبيين هم نمي رسيد که چنین چيزی ممکن باشد؛ اما ملت ما اين کار را کرد. آرمانهاي معنوی و اخلاقی و آرزوهاي بزرگ، آن چنان نيريوي به اين ملت داد که هیچ فشار و تحمل و تهدید و حادثه تلخي نتوانست او را وسط راه نگه دارد و متوقف کند. لذا تا آخر رفت.

نمونه دوم، دوران جنگ تحميلى بود. اکثر شما شاید جنگ تحميلى را درک کرده ايد؛ اما من نمي دانم چقدر خاطرات روزهای اوّل جنگ در ياد شما زنده است. يک ملت در مقابل تهاجمي قرار گرفته بود؛ اما در واقع از ابزارهای متعارف هیچ چيز نداشت. سراغ تانک مي رفتيم، نبود، يا کم بود، يا ناقص بود؛ سراغ سلاح مي رفتيم، همین طور؛ سراغ هواپيما مي رفتيم، همین طور. کسانی هم که آن روز در رأس بعضی کارهای مؤثر بودند، دائم آيه یا س مي خواندند؛ اما همین بارقه الهي و انگيزه اخلاقی و معنوی و دینی و همین خداجویی، دلهای جوانان - همین پاسداران، همین نيروهای مردمی و بسیج از همه قشرها، همین عناصر بسیار مؤمن و خالص ارتش - را آن چنان آماده کرد که جانها توانستند ضعف جسمها را جبران کنند. «لبسووا القلوب علي الدروع»؛ درباره اصحاب کربلاست: دلهایشان را روی زره هایشان پوشیدند! زره ها جسمها را نگه مي دارد، اما دلهای جسمها و زره ها را نگه مي دارد. دلهای يا ايمان و نوراني آماده شد و همتهاي بلند به جنبش درآمد و جبهه عظيم و وسعي را که يک سرش در دستگاههای جاسوسی و وزارت دفاع امريكا بود، يک سرش در ناتو بود؛ يک سرش در سوروي سابق بود، يک سرش در خزانه دولتهای نفتی منطقه، و سوگلی همه اينها هم رژيم بعثي بود که از همه طرف کمکها را به او مي رسانند؛ شکست داد و ناکام کرد. اين شوخی است؟ اين همان معنویت است. وقتی آرمانها و نقطه اتكاء معنوی در کشور و ملتی وجود داشت، از اين گونه معجزات به وجود مي آيد.

من هميشه به مسؤولان مربوط در بخشهاي گوناگون - چه در بخش اقتصاد و چه در بخش کارهای علمي - توصيه کرده ام و الان هم مي گويم: اگر همین همتها، همین روحیه ها و همین دلهای قرص و محکم، در هر میداني محور تلاش و کار باشند، مشکلات را از سر راه برمی دارند. چه کارهای عظيمي که نيروهایي مؤمن و حزب الله و انقلابي، با تکيه به همین ايمان، در زمينه هاي سازندگي، فناوريهای پيچيده و نظامي به وجود آوردند، که اکثر شما مي دانيد من چه مي گويم. در همه ي زمينه ها اين نقطه اتكاء معنوی مي تواند چنین معجزه اي بكند.

يک عده، ساده لوحانه بعضی از کشورهای ثروتمند دنيا را مورد نظر قرار مي دهند و مي گويند اينها ثروت دارند، اما دين و اخلاق ندارند؛ ما هم به همان راه بروميم. خيال مي کنند ثروتمند شدن آنها، ناشي از دين نداشتند و اخلاق نداشتند آنهاست! اين اشتباه است. هر کشوری اگر ثروتمند و قدرتمند شده است، به خاطر عوامل خاص ايجاد قدرت و ثروت است. هر جا تدبیر و کار و تلاش باشد، محصلوي خواهد داد؛ اين سنت الهي است. حتى کسانی هم که دنبال مادیّات صرف بدون معنویت مي روند، اگر مدیریّت و تدبیر درستی داشته باشند و تلاش و مجاهدت هم بکنند، البته

به آن خواهند رسید: «کلاً نمذ هؤلاء و هؤلاء من عطاء ربک». این صریح قرآن است؛ بحث در این است که وقتی فقط برای مادیات کار و تلاش شد، ثروت و قدرت به دست می آید؛ اما سعادت به دست نمی آید. ما می خواهیم جامعه ای داشته باشیم که ثروت و قدرت و سعادت همه جانبی و عدالت را با هم داشته باشد. این نقطه ای است که ملتها آرزوی آن را می کشند؛ ولà در کشورهای ثروتمند و قدرتمند، بی عدالتی و ظلم و فقر و محرومیت و تلخی خیلی وجود دارد؛ ما که دنبال آن نیستیم.

جامعه ای می تواند تصویر آرمانی یک ملت زنده، بیدار و باهوش قرار گیرد که در آن، معنویت و عدالت و عزت و قدرت و ثروت و رفاه باشد. اگر بخواهیم این مجموعه با هم باشد، بدون معنویت و آرمان معنوی و اخلاق و درنظر گرفتن خدا و بدون مجاهدت فی سبیل الله ممکن نیست. این چیزی است که پاسدار را عزیز می کند. پاسداران برای خدا مجاهدت کردند. روز پاسدار، روز ولادت حسین بن علی علیه السلام است؛ یعنی مظہر مجاهدت خالص و پاک برای خدا. این مجاهدت اگر از سوی مردم جواب داده شد، مثل مجاهدت نبی اکرم می شود که حکومت اسلامی را به وجود آورد و تاریخ را عوض کرد؛ اما اگر با کمک و همراهی دلهای مؤمن مواجه نشود، مانند واقعه عاشورا می شود که امام حسین به شهادت می رسد. جوشش معنوی او، تاریخ را هدایت می کند. بالفعل نمی تواند موققیت ظاهري پیدا کند، اما در طول تاریخ، موققیت حتمی متعلق به اوست؛ همان طور که همه نبوتها و همه راهنمایان بشر و راهنمایان الهی در طول تاریخ، این را داشته اند. لذا شما می بینید با گذشت سیزده، چهارده قرن، نام حسین بن علی پرچم عدالت و فضیلت‌های معنوی است و همین نام توانسته است این انقلاب را به وجود آورد. این انقلاب - که از این حیث، شبیه نهضت نبی اکرم است؛ یعنی به موققیت رسید و دلها و جانها و نیروها و انسانها با آن همراهی کردند و امام را تنها نگذاشتند - توانست پرچم شوکت و عزت را سر پا کند. این را از حسین بن علی الهام گرفت و مظہر تجدید حیات اسلام شد.

راهی که انقلاب اسلامی و فدایکاران این راه و شما پاسداران در طول این سالها رفتید، راه درستی بود؛ همان راهی بود که دنیای اسلام را بیدار کرد؛ بسیاری از غیر مسلمانان را مسلمان کرد؛ حقانیت ملت ایران را اثبات کرد و آبروی ابرقدرت درجه یک دنیا را ریخت. امروز ببینید در دنیا علیه امریکا چه خبر است! می دانید اینها برای حفظ آبرویشان چقدر خرج می کنند و برای فریب افکار عمومی چقدر مایه می گذارند؟ این که در مقابل افکار عمومی دنیا این طور عربیان و رسول، انگشت اشاره ی ملتها به طرف آنها دراز باشد و این قدر به آنها اهانت کنند، می دانید چقدر برایشان مهم است؟ اینها اثرات آن ایستادگیها و مجاهدتها و توکل به خداست.

امروز بیداری دنیای اسلام و رسوايي دشمنان اسلام اتفاق افتاده است؛ باید این راه را ادامه داد. این راه، راهی است که می تواند این ملت را به آرمانهای حقیقی خود برساند؛ یعنی به همان مجموعه آرمانی عزت، معنویت، قدرت، رفاه و عظمت علمی؛ همان چیزهایی که برای یک ملت، مطلوب و محبوب است. راه صحیحی که فرزندان این انقلاب و فرزندان امام پیموده اند، ما را به آن جا خواهد رساند؛ منتهای شرطش استقامت است. استقامت، یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه های مادی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت طلبی و عشرت طلبی رو نیاوردن. اینها اساس کار است. البته در درجه اوّل باید مسؤولان طراز اوّل و طراز دوم کشور و مدیران ارشد و فرماندهان، مراقب این چیزها باشند؛ بعد هم عناصر مؤمنی که می خواهند افتخار پیشرفت نظام اسلامی و آرمان اسلامی را در نزد خدا و خلق و تاریخ برای خود حفظ کنند. البته معارضه و مخالفت و مزاحمت، زیاد است. همان اتهامها و اهانتهایی که از اوّل پیدید آمدن حرکت و فرهنگ پاسداری در کشور وجود داشت، در سالهای اخیر هم بعضی توسط همان آدمها تکرار می شود؛ لیکن این مزاحمتها نباید بتواند راه مردان خدا را سد کند.

پاسداری، یک فرهنگ است؛ یک فرهنگ عزت و افتخار است. پاسداری از دین و انقلاب - که امروز این معنا در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مجسم است - صرفاً یک حرکت نظامی نیست؛ پاسداری، یک فرهنگ است؛ جنبه عقیدتی و سیاسی و فدایکاری و مجاهدت دارد. البته جنبه نظامی هم دارد؛ یعنی بازوی نظامی انقلاب بوده است و خواهد بود. همان طور که دیروز انقلاب به این پاسداری نیاز داشت، امروز هم نیاز دارد، فردا هم نیاز خواهد داشت؛



همیشه نیاز دارد.

بعضیها نادانسته - که مایلیم امیدوار باشیم نادانسته است - ریشه اصل مجاهدت و شهادت فی سبیل الله را می زنند. اینها نمی فهمند چه می کنند؛ کارشان مثل همان نشستن بر سر شاخ و بُن بریدن است. اینها نمی فهمند که یک ملت وقتی به جهاز عظیم جهاد و شهادت فی سبیل الله مجهز باشد، چه معجزاتی می کند و چه موققیتهاي بزرگی را به دست می آورد. این را می خواهند از این ملت بگیرند. اینها می خواهند انقلاب و نظام اسلامی را مثل یک موجود بی دفاع، در دسترس قدرتها بگذارند تا آنها با همه امکانات سیاسی و نظامی و اقتصادی خود آن را بدرنده و تکه پاره کنند. البته وقتی دشمنان این حرفا را می زنند، کاملاً جهتدار، فهمیده و دانسته می زنند؛ اما بعضی هم علی الظاهر بدون این که بدانند چه می کنند، حرفهای دشمنان را تکرار می کنند.

شما این راه و این افتخار و این هویت چندجانبه را با دقت حفظ کنید. نسل اول جهاد و شهادت، خوب امتحانی داد؛ نسلهای دوم و سوم جهاد و شهادت هم به فضل پروردگار با نورانیتی که امروز انسان در نسل جوان مشاهده می کند، آن روزی که لازم باشد، امتحان بسیار خوبی خواهند داد.

خداآوند شما را محفوظ بدارد. ان شاءالله توجّهات حضرت بقیةالله ارواحنافاده و ادعیه زاکیه آن بزرگوار شامل حال همه شما و همه فرزندان برومند این نظام و این انقلاب باشد و ان شاءالله با همت و نیرو و نشاط شما، این کشور و این ملت بتواند راههای دشوار را طی کند و موانع بزرگ را از سر راه خود بردارد و به آرمانهای الهی خود برسد.

والسلام عليکم و رحمةالله و برکاته